



حزب کمونیست کارگری - حکمیتست

۲۷ فروردین ۱۳۸۹  
۱۶ آوریل ۲۰۱۰

بهرام مدرسی  
اول مه و صف جداگانه  
طبقه کارگر

"برای کارگران آگاه وظیفه ای مهمتر از برک جنبش طبقه خویش، ماهیت آن، هدف و وظایف آن، شرایط و شکلهای عملی آن وجود ندارد. زیرا تمام نیروی جنبش کارگری بسته به درجه آگاهی و جنبه توده‌ای آن است؛ سرمایه‌داری در هر قدم از تکامل خود بر شمار پرولت‌ها یعنی کارگران مزدی میافزاید. آنها را متحد میکند، متشکل میسازد، فکرشان را روشن میکند و به این طریق نیرویی طبقاتی پدید میآورد که ناگزیر باید بسوی هدفهای خود پیش برود" (لنین- مدارک ابژکتیف درباره نیروهای جریانهای مختلف در جنبش کارگری)

این حکمی است که با اتکا به آن لنین و بلشویک‌ها میلیونها کارگر صنعتی را برای کسب قدرت سیاسی آماده ساختند. انقلاب سوسیالیستی اکثریت آنها با اتکا به این خودآگاهی طبقه کارگر ممکن گشت. خود آگاهی که مرز منافع متفاوت طبقه کارگر را با سایر طبقات و افشار اجتماعی دیگر می‌شناسد و منفعت این مبارزه قطب نمای هر تاکتیک و تصمیم‌اش است.

اساسی‌ترین درس انقلاب اکبر برای طبقه کارگر ایران همین است. طبقه کارگر ایران ۹۴ سال پس از انقلاب اکبر هنوز منفعت جداگانه

صفحه ۲

### در قریزستان چه میگذرد؟

مصاحبه با فاتح شیخ

کمونیست هفتگی: هفته قبل قریزستان شاهد اعتراضات نسبتاً وسیع بود که سرانجام به فرار رئیس‌جمهور و اعلام دولت موقت از جانب مخالفان منجر شد. در "انتخابات" سال گذشته، فرمان بیک باقی‌یاف با ادعای کسب ۷۶٪ آراء مجدداً رئیس‌جمهور شد؛ اما مخالفان مدعی‌اند در آن انتخابات تقلب صورت گرفته و حال که قدرت دستشان افتاده است قول داده‌اند در شش ماه آینده "انتخابات آزاد" برگزار کنند. کلاً ماجرا چه بود؟ اختلاف بر سر چیست؟

فاتح شیخ: اعتراضات هفته قبل قریزستان ابتدا ربط مستقیم به انتخابات تابستان گذشته نداشت؛ حرکتی بود در اعتراض به افزایش قیمت برق و سوخت و حمل و نقل که اپوزیسیون بورژوازی حاضر در صحنه آن را قاپید و بلعید. جناحی از ایلت حکومتی طبقه سرمایه‌دار قریزستان که نه تنها از دو دهه قبل از سقوط شوروی در سرکوب مردم قریزستان و استثمار طبقه کارگر آن شریک بوده، نه تنها دو دهه بعد از شوروی هم همان استبداد سیاسی و استثمار اقتصادی را حفظ کرده، بلکه در جریان دست بدست شدن قدرت سال

### ده سال بعد از کنفرانس برلین

مصاحبه با آذر مدرسی

ده سال پیش بعد از به قدرت رسیدن جناح "اصلاح طلب" در ایران و در فضای "گفتگوی تمدنهای" خاتمی، در چنین روزهایی پروژه مشترک دولت آلمان و جمهوری اسلامی برای مشروعیت دادن به جمهوری اسلامی تحت عنوان کنفرانسی "ایران پس از انتخابات" در شهر برلین آلمان برگزار شد. حضور وسیع کمونیستها و آزادیخواهان علیه این کنفرانس، بهم خوردن و شکست این کنفرانس و پس از آن محاکمه شرکت‌کنندگان در این کنفرانس به یکی از جنجالی‌ترین جدالهای جناحهای درون رژیم و به یکی از مسائل مهم سیاسی در جامعه ایران تبدیل شد. در این رابطه با آذر مدرسی یکی از شخصیت‌هایی که در عقیم ماندن این کنفرانس نقش ویژه داشت مصاحبه ای داریم.

کمونیست: ده سال از کنفرانس برلین میگذرد، اصلاً چرا کنفرانس برلین اتفاق افتاد، اهداف این کنفرانس چه بود،

### کارگران جهان متحد شوید!

۲۰۰۵ (موسوم به "انقلاب لاله") مشخصاً دوشادوش همین فرمان بک باقی‌یاف در پلین کشیدن عسکر آقاییف (پرزیننت قریزستان ۲۰۰۵-۱۹۹۰) و شرکت در حکومت بعدی نقش داشته است. و به خاطر همین سابقه طولانی شریک بودن در قدرت دولتی است که توانسته چنین سریع بر موج اعتراض توده بجان آمده از فقر و سرکوب سوار شود و آن را به پرونده اختلافش با رئیس‌جمهور و جناح حاکم بر سر انتخابات تابستان گذشته ضمیمه سازد و مصادره کند.

چرا ماجرا چنین سریع پیش رفت؟ به نظر من اساساً به خاطر کشتار وسیعی بود که در تاریخ مدرن قریزستان سابقه نداشت: تیراندازی مستقیم پلیس ضدشورش به معترضان در روز دوم (هفت آوریل) بیش از هشتاد کشته و پانصد زخمی قربانی گرفت.

ماجرا از شهر تالاس در منطقه صنعتی شمال و نزدیک بیشکک پایتخت با اعتراض به گرانی ناگهانی برق و سوخت و حمل و نقل شروع شد. در درگیری مردم و پلیس در ششم آوریل مراکز دولتی شهر دو بار دست به دست شد و پلیس شمار زیادی را دستگیر کرد. صبح روز بعد به دستور رئیس‌جمهور و به قصد جلوگیری از گسترش اعتراضات، رهبران اپوزیسیون دسته جمعی دستگیر شدند. در اعتراض به این دستگیریها یک تظاهرات چندهزار نفره در میدان اصلی

اپوزیسیون جمهوری اسلامی و خود شما کجای این ماجرا بودید. چرا این ماجرا اینقدر صدا کرد.

آذر مدرسی: کنفرانس برلین اولین و آخرین اجلاس جمهوری اسلامی در خارج نبود که با اعتراض کمونیستها و آزادیخواهان روبرو شد. حضور سران و نمایندگان جمهوری اسلامی در خارج کشور همیشه با موجی از اعتراض و تظاهرات و حتی به هم زدن برنامه‌هایشان روبرو میشد. ویژگی به هم خوردن کنفرانس برلین و تبدیل شدن آن به یکی از مهمترین مسائل سیاسی ایران را باید در دو مولفه دید.

مولفه اول این بود که این کنفرانس مهمترین تلاش مشترک و برنامه ریزی شده یکی از دول غربی و جناحی از جمهوری اسلامی برای آبرو خریدن برای جمهوری اسلامی، برای دادن تصویری لیبرال‌تر، قابل تحمل‌تر از جمهوری اسلامی بود. منصور حکمت خیلی روشن

در مورد هدف این کنفرانس میگوید: "دوم خردادی‌ها در کنفرانس برلین قرار بود تصویری از یک ایران دیگر و یک جمهوری اسلامی دیگر بدهند که باید در برابر مخالفان نظام مورد دفاع و پشتیبانی غرب قرار بگیرد. یک جمهوری اسلامی تماماً "لیبختند" و "چهره پرندگان"، جایی که آخوندهای بی‌آزار با چهره‌های نورانی و با عباهای نازک حریر دست‌درست‌هم، سبکبال‌تر چمنزارها دنبال شاپرک‌ها میدوند و کلکسیون تمبر جمع میکنند و اینترنت بد میگیرند. جایی که پاسدارها دستهای خونی‌شان را شسته‌اند و دیگر برای فستیوال‌ها فیلم میسازند و فلسفه میخوانند، جایی که زنان، اگرچه هنوز بخاطر "فرهنگ خویش" چادرشان را سفت لای دندان گرفته‌اند، با اجازه شوهر از بام تا شام قمینیسیم و دوچرخه سواری میکنند. ایرانی "مذنی" و سرشار از "تسامح" و "جاهت" صفحه ۳

سیف‌خدا یاری	نشست دفتر سیاسی حزب
دل‌تک سیاسی یا سیاست یک	کمونیست کارگری - حکمیتست
دل‌تک؟	صفحه ۴
صفحه ۴	

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## در قرقیزستان چه ...

طی هشت روز گذشته رئیس جمهور فراری در حمایت طرفداران محدود و بیقدرت خود در منطقه جنوب، از کناره گیری امتناع میکرد اما زمان او بسرآمده بود و این بلاتکلیفی غیرقابل قبول میلیست پایان یابد: با حمایت روسیه از دولت موقت و متعاقبا برسمیت شناختن آن توسط آمریکا در چهاردهم آوریل، سرانجام روز پانزده آوریل باقی قرقیزستان را به سوی کازاخستان ترک کرد. بار دیگر دست بدست شدن قدرت بین جناحهای بورژوازی حاکم بر قرقیزستان، این بار به بهای خون صدها تن مردم بجان آمده و معترض به سرانجام رسید.

**کمونیست هفتگی:** رئیس جمهور فراری سال ۲۰۰۵ به نام دفاع از دموکراسی و در دل اعتراضات زید مردم سر کار آمد. هم اکنون هم مردم ناراضی و معترض وسیعا در اعتراضات اخیر شرکت داشتند. خلیبا میگویند قیام توده های ناراضی در قرقیزستان، سوال این است نقش این مردم چه بوده و سهم این مردم و خصوصا طبقه کارگر چه است؟

**فاتح شیخ:** درست است، در سال ۲۰۰۵ باقی اف به نام دموکراسی و سوار بر اعتراض مردم سر کار آمد اما اختلاف او و همپالکی هایش در "انقلاب لاله" با عسکر آقیف، بر سر دموکراسی و یا موضوعات اعتراض مردم نبود، امروز هم دست بدست شدن قدرت بین او و همپالکی های سابق و مخالفان کنونی اش بر سر اینها نیست. سهم مردم و بخصوص طبقه کارگر هم از این دست بدست شدن قدرت جز تداوم استبداد و استثمار در قالبهای جدید و با اتکاء به ابزارهای تازه تر توهم

آفرینی بورژوازی چیز دیگری نیست. اختلاف بر سر چند و چون تصاحب سهم از انباشت حاصل از استثمار طبقه کارگر و چگونگی اختصاص امکانات انسانی و سوق الجیشی قرقیزستان به این بخش یا آن بخش بورژوازی، به دولت روسیه یا به دولت آمریکاست.

قرقیزستان کشوری است فقیر که مثل بعضی کشورهای آسیای میانه نفت و گاز ندارد اما موقعیت جغرافیایی اش میتواند به بعضی نیازهای سوق الجیشی آمریکا پاسخ دهد و این نیازها از مقطع جنگ آمریکا در افغانستان هر سال بیشتر و بیشتر شده است. دادن پایگاه نظامی مناسب به آمریکا و افزایش رانت سالانه آن زیر سایه رقابت روسیه و آمریکا از هفده میلیون دلار به شصت میلیون، بخشی از این معادله است. بعلاوه رقابت روسیه و آمریکا بر سر کسب همکاری دولت قرقیزستان بخشی از رقابت جهانی به مراتب وسیعتر این دو نیروی امپریالیست بر سر تقسیم مجدد جهان و مناطق نفوذ است که از چند سال پیش شدت بیسابقه ای گرفته است. همزمانی امضای پیمان ستارت ۳ توسط اوپاما و منودف با تحولات قرقیزستان ممکن است طبق نقشه روسیه نبوده باشد اما بخشی از تلاش روسیه برای بازبینی موقعیت سابق خود است. تلاش روسیه برای برگرداندن اقمار شوروی سابق، از اوکراین و گرجستان و قرقیزستان و هر کشور دیگری که از بیست سال پیش از حوزه نفوذ آن خارج شده است، بخشی از پروژه تقسیم مجدد جهان است که با شکست استراتژی میلیتاریستی آمریکا در آخرین سالهای صدارت بوش، پرونده آن باز شده است.

آنچه این روزها پشت پرده اختلاف و

جدال قدرت جناحهای بورژوازی حاکم بر قرقیزستان میگذرد، بخشی از سناریوی نه چندان پنهان رقابت آمریکا و روسیه در آسیای میانه است. ناراضیاتی و اعتراض مردم علیه گرانی، اوضاع اقتصادی نابسامان و فساد فراگیر دستگاه دولتی حکومت سرملیه داران در این کشور فقیر، همیشه جزء ثابت مبارزه طبقاتی جاری جامعه است، اما تا به امروز هر زمان که این اعتراضات به سطح سیاسی رسیده، به دستمایه جدال قدرت جناحهای حاکم شریک در دولت بدل شده است. نگاه گذرائی به پروفایل رزا اوتونلیوا و بقیه عناصر "دولت موقت" نشان میدهد که اینها بخشی از الیت بوروکراسی طبقه سرملیه دارانند که همیشه منافعشان در تداوم استبداد سیاسی و استثمار اقتصادی طبقه کارگر و توده محرومان قرقیزستان با باقی افها و آقیفها یکی بوده است.

**کمونیست هفتگی:** تحولات قرقیزستان چه درسهایی برای طبقه کارگر ایران، برای کمونیستها و آزادیخواهان این جامعه در بر دارد؟

**فاتح شیخ:** اولین درس همین است که باز هم در نقطه دیگری از جهان، جانفشانی کارگران و توده های محروم جامعه، دارد در راهی که خلاف منافع آتی و آتی شان است هدر میرود. این دور باطل در قرقیزستان و ایران و همه جای جهان باید توسط لایه آگاه و پیشرو طبقه کارگر و حزب سیاسی این طبقه شکسته شود. ایجاد صف مستقل، سازمانیافته و نیرومند طبقه کارگر، کاری است که همین امروز در هر جا ممکن است، چون همه جا چرخ تولید و زنده ماندن جامعه توسط طبقه کارگر میچرخد و این کلید شکستن دور باطلی است که بعد از شکست انقلاب کارگری

در شوروی، طبقه کارگر جهانی را اسیر خود کرده است.

درس نوم اینکه باید ماهیت تحولات قرقیزستان، روندهای پشت آن و پارامترهای جهانی موثر بر آن را به درستی شناخت. این بخصوص در شرایط امروز ایران برای پیشروان طبقه کارگر بسیار لازم است، چراکه بخشهای گوناگون بورژوازی طرفدار جنبش سبز از راست آن تا چپ پوپولیست آن هر یک از زاویه منافع طبقاتی و موقعیت سیاسی تاکتیکی خود این روزها مرتبا مشغول "شبیه سازی" تحولات قرقیزستان با اوضاع جاری یک سال گذشته ایران هستند. اما شبیه سازی واقعی از زاویه منافع طبقاتی کارگر در ایران اینست که: اعتراض و ناراضیاتی علیه جلوه های بیشمار استثمار و سرکوب سرملیه همیشه در جریان است، این یعنی همان مبارزه طبقاتی گاه آشکار و گاه پنهان که در

یونان و فرانسه و ایران و قرقیزستان و همه جا جاری است، اما طبقه کارگر تنها با متمایز کردن صفوف مستقل و متحد خود از صفوف جدال قدرت جناحهای بورژوازی است که میتواند مبارزه طبقاتی را به اهداف خود یعنی کسب قدرت و خلع ید از کل بورژوازی، برپا داشتن حکومت کارگری، لغو کار مزدی و برقرار کردن جامعه سوسیالیستی برساند. این ممکن است، هم در ایران در تمایز با جناحهای سپاه و سبز بورژوازی و هم در قرقیزستان در تمایز با "انقلاب لاله" ای های بیروز و "دولت موقتی" های امروز، در تمایز با وفاداران روسیه و هواداران آمریکا.

## اول مه و صف جداگانه ...

خود را با طبقات دیگر نمیشناسد. احزاب و جریانات سیاسی که خود را سوسیالیست و کمونیست مینامند طبقه کارگر و منفعت مبارزه او را قربانی سمپاتی طبقاتیشان به جناح های مختلف طبقات حاکم در ایران میکنند. هنوز تمرکز بی سابقه ای که سازمان تولید در جمهوری اسلامی به کارگر صنعتی داده است، مبنای اتحاد برای عمل سیاسی مشترک در طبقه کارگر ایران نمیشود. هنوز سیاست های دولت بورژوایی ایران برای پراکنده نگاه داشتن کارگران، علیرغم تمرکز میلیونی شان در محیطهای صنعتی کارساز هستند. هنوز کارگران قراردادی، رسمی، غیر رسمی، پیمانکار و دولتی ضامن تفرقه

کارگران در مراکز بزرگ صنعتی هستند. هنوز صف کارگران کمونیست چنان محکم نیست که مانع امید بستن به مستضعف پروری احمدی نژاد بشود. هنوز صف کارگران کمونیست چنان محکم نیست که مانع نفوذ افکار سوسیال بورژواها بشود. کارگران کمونیست خود هنوز سازمان نیافته اند.

درجه تمرکز کارگران صنعتی در ایران را تنها میتوان با چین یا هندوستان مقایسه کرد. میلیون ها کارگر صنعتی در صنایع نفت، فولاد، خودرو سازی ها، پتروشیمی، معادن و خدمات عمومی و غیره را خود بورژوازی در سازمان تولید متشکل کرده است. بورژوازی دولتی و غیره دولتی برای استثمار نیروی کار ارزان طبقه کارگر در ایران و رقابت با سرملیه های دیگر، خود مجبور به

است نزدیکتر میکند. نفرت عمومی از جمهوری اسلامی سر سوزنی از منافع متفاوت طبقه کارگر در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و کل نظام سرملیه داری و طبقه بورژوا در ایران کم نمیکند.

اول مه نه روز عمومی مردم، نه سبز و نه سپاه، نه روز مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی و نه هیچ چیز دیگری جز روز طبقه کارگر برای شناختن منفعت متفاوت اش علیه منافع طبقات دیگر است. اول مه روز تاکید بر سازمان کمونیستی کارگران و نشان دادن ضرورت آن برای نجات از استثمار و کارمزدی و ساختن جامعه ای آزاد و سوسیالیستی.

## زنده باد جمهوری سوسیالیستی

۱۰ سال بعد از کنفرانس...

**قانونی". قرار بود بگویند سیاهیان**  
**سلاحشور اصلاحات اسلامی قوه مجریه**  
**را دارند و اکنون در یک قدمی فتح**  
**قلعه مقننه اند، و این دیگر همه چیز را**  
**فیصله میدهد. اینها به برلین رفته**  
**بودند تا لیجنڈ خاتمی و اجازہ نشر**  
**مجلات پاسدارهای سابق را بعنوان**  
**گشایش سیاسی و آزادی بیان و جامعه**  
**مدنی در اروپا بفروشند، رفته بودند**  
**مضحکہ مجلس اسلامی را یک**  
**پارلمان قانونی قلمداد کنند، رفته بودند**  
**سلاخی مخالفان حکومت را به گرین**  
**بانڈ ہا و محافل متفرقہ بیاندارند و از**  
**جمہوری اسلامی ایران و رہبر و**  
**رئیس جمہور و مجلس و مقننہ و**  
**قضانیہ و کابینہ و وزارت اطلاعات و**  
**حقوق بگیران نظام شان رفع مسئولیت**  
**کنند. رفته بودند نسل کشی ہا و اعدام**  
**ہا و سنگسار ہا، گورهای بدون**  
**نشان، کارگران بدون معاش، زنان**  
**بدون حق، جوانان بدون آئندہ، کودکان**  
**تباہ شدہ، اعتقادات سرکوب شدہ،**  
**صداهای خفہ شدہ، بی حقوقی مطلق**  
**انسان در صحن جامعہ و متن قوانین و**  
**چرخش مرگبار شمشیر قصاص و**  
**سبعیت اسلامی در تمام زندگی و ذہن**  
**شہروندان این کشور بختک زدہ را**  
**پشت شمایل مقوی یک آخوند مرتجع**  
**و لفاظی های بی ارزش در مورد**  
**"اسلام مدرن" مخفی کنند. اینها رفته**  
**بودند در برلین از جمہوری اسلامی**  
**دفاع کنند، برایش تبلیغ کنند، مخالفان**  
**حکومت اسلامی را عقب برانند."**

دو خرداد در حاکمیت، برای رسیدن به  
 این هدف لشگری از شاعر و نویسنده و  
 اقتصاد دان و "مدافعین حقوق زن" تا  
 پاسدار ژورنالیستہائی چون گنجی و  
 جلائی پور را بسیج کرده بود تا  
 تصویری غیر حکومتی از شرکت  
 کنندگان و هدف این کنفرانس بدهد.  
 طبیعی بود ابعاد بهم خوردن این  
 کنفرانس با اجلاسهای دیگر جمہوری

اسلامی تفاوت داشته باشد و انعکاس آن  
 ابعاد سیاسی بیشتری به مسئلہ بدهد. اما  
 این ہمہ مسئلہ نبود.

مولفہ دوم این بود کہ این ماجرا بعد از  
 انتخابات مجلس و در دل یک جدال حد  
 سیاسی در درون خود رژیم اتفاق افتاد.  
 بهم خوردن کنفرانس برلین امکانی شد  
 برای لشکرکشی جناح راست علیہ دو  
 خرداد. جناح راست برای تغییر تناسب  
 قوا بہ نفع خود، بهم خوردن کنفرانس و  
 سخنرانی مخالفین را از تلویزیون  
 رسمی جمہوری اسلامی پخش کرد و  
 متعاقباً منجر بہ ماجرای محاکمہ شرکت  
 کنندگان بہ دلیل همکاری با دشمن  
 (منظور ما کمونیستہا بود) شد. مسئلہ  
 مهم در این دعوا این بود کہ ہر دو  
 جناح ہمدیکدیگر را بہ تقویت  
 کمونیستہا و آزادیخواہان، یعنی کسانی  
 کہ در کنفرانس صدای اعتراض  
 کارگر و زن و جوان در ایران بہ  
 بیحقوقی و اختناق سیاسی و فقر و  
 فلاکت را منعکس کردند، متہم  
 میکردند. واقعیت ہم نشان داد کہ بیش  
 از ہر چیز و علیرغم "عر و تیزہای"  
 دو خرداد، نقطہ اشتراک ہر دو جناح  
 ضدیت و ہراس از صف آزادیخواہی  
 بود کہ در کنفرانس برلین ہمہ شان را  
 افشا کرد و پروژہ مشترکشان با دول  
 غربی را ناکام گذاشت.

در آن ماجرا، ما کمونیستہا با روشنی  
 علیہ ہر دو جناح و علیہ تلاش جناح  
 اصلاح طلب در حاکمیت و در دفاع از  
 آزادی و برابری در صف اول این  
 جدال ایستادہ بودیم و نقش تعیین کننده و  
 اساسی را داشتیم.

تبدیل شدن کنفرانس برلین بہ صحنہ  
 محاکمہ جمہوری اسلامی و  
 نمایندگیشان در این کنفرانس، این  
 پروژہ مشترک برای مشروعیت دادن  
 بہ جمہوری اسلامی و خفہ کردن  
 صدای حق طلبی کمونیستہا را با  
 شکست روبرو کرد.

**کمونیسٹ:** دہ سال از این کنفرانس

میگذرد، اکنون بخش زیادی از  
 اپوزیسیون آن زمان و برگزار کنندگان  
 کنفرانس برلین در یک جبهہ اند.  
 ارزیابی امروز شما چی است؟ اگر  
 امروز کنفرانس برلین نومی برگزار  
 شود اوضاع چگونه خواهد شد و شما  
 کجا خواهید ایستاد؟

**آئر مدرسہ:** صحنہ سیاست و صفبندی  
 امروز با دہ سال پیش تفاوتہای زیادی  
 کردہ کہ امکان صحبت در مورد آن در  
 اینجا ممکن نیست و من فقط بہ چند  
 مولفہ مهم اشارہ میکنم. تا جائیکہ بہ  
 جنگ درون رژیم بر میگردد جدال  
 امروز ادامہ همان جدال و از جنس  
 همان جنگ است. جنگ بر سر  
 چگونگی ادامہ حیات جمہوری  
 اسلامی. اما تفاوتہا در این است کہ اولاً  
 سبز بر خلاف دو خرداد امروز "رسماً"  
 در حاکمیت نیست، قدرت یکدست در  
 اختیار راست است، سبز رئیس جمہور  
 ندارد، ہرچند کہ عملاً دستی بہ قدرت  
 دارد اما جز رفسنجائی تقریباً ہمہ خلع  
 ید شدہ اند. این مسئلہ بہ سران سبز و  
 صف احزاب فرصت طلب سیاسی  
 راست تا چپ و جریانات ملی - مذبہی  
 و طرفدار اصلاح رژیم در میان  
 اپوزیسیون، این امکان را داد کہ بہ این  
 جناح یعنی بہ بخشی از جمہوری  
 اسلامی در حاشیہ قدرت، بخشی کہ در  
 جنگ درونی شان ضریبہ خورده بود،  
 لقب و عنوان اپوزیسیون بدهند. و  
 بتوانند کل خواست آزادیخواہی و نفرت  
 جامعہ از کلیت این رژیم و سیستم را بہ  
 جیب بخشی از بورژوازی حاکم  
 بریزند. بعلاوہ در غیاب حضور طبقہ  
 کارگر و کمونیست ہا کہ دور گذشتہ  
 توسط ہر دو جناح سرکوب و دست شان  
 از جامعہ کوتاه شدہ بود، جریان سبز  
 امسال توانست بخشی از جامعہ را کہ  
 علیہ اختناق سیاسی و فرہنگی بہ  
 حرکت درآمده بود را زیر پرچم خود  
 بکشاند، و توانست بدون طرح کمترین  
 مطالبہ و خواست گشایش سیاسی از  
 میلیتاری آن در معاملہ قدرت بنفع خود  
 سواستفادہ کند.

این خصوصیت ہم باز امکانی بہ سبز  
 و جناحهای مختلف سبز در اپوزیسیون  
 داد کہ تحت عنوان جنبش تودہ ای،  
 اعتراض مردمی و مہملا ت و عبارات  
 تھی از این نوع برای این جناح  
 مشروعیت بخرند. ہمہ اینها صف بندی  
 جدیدی در احزاب سیاسی بوجود آورده  
 است. سازمانہائی مثل اکثریت و راہ  
 کارگر و طیف دگراندیشان تودہ ای  
 کماکان در همان صف میجنگند و با  
 عروج سبز اعتماد بہ نفس بیشتری پیدا  
 کردند. و بخشی از اپوزیسیون کہ در  
 دورہ دو خرداد در صف مقابل ہر دو  
 جناح قرار داشت، امروز طرفدار  
 پروپاقرض جنبش سبز و بہ جناح چپ  
 آن تبدیل شدہ.

اگر امروز کنفرانس برلینی دیگر  
 برگزار شود قطعاً ما حکمتیستہا با  
 همان سیاست علیہ مشروعیت دادن بہ  
 جمہوری اسلامی و خفہ کردن صدای  
 حق طلبی کارگر و کمونیسم در آن  
 جامعہ خواهیم ایستاد و اجازہ نخواہیم  
 داد بخشی از بورژوازی در معیت  
 احزاب سیاسی کارگر و زن و جوان  
 معترض را بہ گوشت دم توپ جنگ  
 خودشان تبدیل کنند. اما اگر امروز  
 سران سبز و نمایندگان آنها در خارج  
 کشور برای جلب حمایت غرب و تغییر  
 توازن قوا میان خوششان و جناح مقابل  
 در خارج کشور کنفرانسی بگذارند،  
 قطعاً وضع اپوزیسیون چون دہ سال  
 پیش نیست. در چنین شرایطی بعید  
 نیست بخشی از همین اپوزیسیون کہ در  
 کنفرانس برلین در مقابل کل ارتجاع  
 اسلامی ایستاد، برای اینکه بعنوان  
 سخنران و صاحب نظر در این  
 کنفرانس شرکت کنند و سهمی ہم بہ  
 آنها برسد، دست و پای ہم را لہ کنند.  
 از این نظر امسال کمونیستہا،  
 سخنگویان طبقہ کارگر، نمایندگان  
 آزادی و برابری یک تہہ باید علیہ کلیت  
 این صف ارتجاعی بایستند. همان کاری  
 کہ در اوج برویای سبز تا بہ امروز  
 کردہ است.

## رادیو پرتو صدای رادیکال طبقہ کارگر

ساعت پخش رادیو پرتو جمعہ ہا

۱۸ تا ۲۰ بہ وقت لندن  
 ۱۹ تا ۲۱ بہ وقت اروپای مرکزی  
 ۲۱-۳۰ تا ۲۳-۳۰ بہ وقت ایران

شما میتوانید در ایام ہفتہ شنونده تکرار برنامه در ہرین ساعت باشید

www.radiopartow.com/wp/

## سوسیالیستہا و حمایت بین المللی از کارگران ایران

چگونه ما میتوانیم بہ کارگران ایران کمک کنیم؟

چگونه میتوان حمایت از کارگران را سازمان داد؟

چرا در مقابل جناح سبز موسوی و سیاہ احمدی نژاد

بہ صف مستقل کارگران نیلزمند ہستیم؟

سخنرانان: جمال کمانگر از طرف حزب کمونیست کارگری-حکمتیست

و یک نفر از طرف ورکرز لیبیرتی Workers' liberty

دوشنبہ ۱۹ آریل ساعت ۷ تا ۹ شب، برایتین

Brighton, The Quadrant, North Street, (opposite clock tower).

# مرگ بر جمہوری اسلامی!

سیف خدایاری

## دلگک سیاسی یا

## سیاست یک دلگک؟

ابراهیم نبوی طنز اصلاحت در پوشش محکوم نمودن حمله تعدادی از جوانان معترض به سفارت ایران در هلند، فرصت را مغتنم دانسته و طبق معمول با لودگی و عشوہ گری که از اصول حرفه مبارکشان است، لگبیرانی به هر نوع آزادیخواهی، رادیکالیسم و کمونیسم را پیشه کرده است. گفته های نبوی ها، افخمی ها و سرروش ها نه نیازی به نقد دارد و نه افشا گری. کمونیست ها و آزادیخواهان ایران، نبوی های قمه بدست و اسید پاش را فردای پس از انقلاب ۵۷ در انقلاب فرهنگی، قتل عام زندانیان سیاسی دهه شصت، تئورهای درون مرزی و برون مرزی و در سی سال قتل زنجیره ای دیده اند. شاهد خاوران ها و لعنت آبادهایی است که در جای جای جغرافیای ایران بر جای مانده است و مهم تر از آنان سه نسل از انسانهای زنده که ورژن های مختلف جنایات جمهوری اسلامی را تجربه کرده اند.

اظهار فضله نبوی و عوضی نامیدن افرادی که سفارت جمهوری اسلامی را مورد حمله قرار دادند، چندان هم تازگی ندارد؛ او سپتامبر گذشته در تجمعی در بروکسل گفته بود "آنها در سال ۶۰ یک مشت کمونیست بودند و باید می مردند و شما هم ۵ درصد حقون همینه". البته نبوی به عوضی نامیدن کمونیستها اکتفا نکرده و رندانه "انقلابیون قلابی" را سرزنش و تحقیر کرده که اگر شهامت دارند به خیابان های تهران برگردند و مبارزه را ادامه دهند! در کامنت یکی از افرادی که خود را هم‌رزم نبوی معرفی کرده است و باید چیزی از جنس رادان و احمدی مقدم باشد، در تأیید فرمایشات سید نوشته است "بیابان ایران تا ببینیم چند تائیه تحمل دیدن یکی از نیروهای بسیج و کماتنو و گارد ویژه رو دارین و چند تائیه طول می کشه تا خونتونو خیس کنین" هم‌رزم دیگر نبوی یعنی بهروز افخمی فیلمساز هم با اظهاراتی مشابه، فعالین کمونیسم کارگری را چند نفر لات و عرق خور نامیده و برای ادای دین کامل به رهبرش قضیه توطئه تروریستی جمهوری اسلامی و موفقیت آنها در قرار دادن اسامی تعدادی از کادر رهبری حزب حکمتیست در لیست اینترپل را مایه لودگی خویش قرار داده است. جای تعجب نیست که ولتر پاسدارهایی از نوع نبوی، گنجی و

سازگارا قمه را کنار نهاده و قلم بر دست گرفته اند تا شاید روی الله کرم ها و نوالقدرها را اندکی سفید کرده باشند.

مشکل قضیه اما نبوی، افخمی، مخملیاف و سایر ملیجک های ژورنالیسم بورژوازی نیست، آنها هر چه در چننه داشته اند در ضذیت با کمونیسم، آزادیخواهی و برابری طلبی انجام داده اند و برگ مأموریت آنها هر روزه تمهید می شود، زمانی در کسوت بازجو، شکنجه گر، تواب ساز و اسید پاش حالا هم در کسوت "طنز نویس" و نویسنده و کارگردان. زیر پوست کلاه مخملی و شال سبز آنها تعفن بیشتری خویبده است که تنها در موارد حساس و زمانی که موجودیت شان به خطر می افتد بیرون می زند و فضا را مسموم می سازد.

مشکل قضیه به ناسیونالیسم چپ ایرانی بر می گردد که تاریخاً و بویژه در چند ماه اخیر هر جا رفته اند خورجین این "سرمایه های ملی" از شاعر و رمال و تنبک زن ونقال را بر دوش خود حمل کرده اند و با طیب خاطر بساط آنها را پهن کرده اند. جنبش رنگین کماتی سبز تنها با حضور دلگک ها و انقلابی نامهایی از جنس نبوی توانست روسری سبز سر مردان محجبه "چپ" نماید و آنها را در میادین شهرهای خارج از کشور از سیننی تا تورنتو قریاتی سید دوم اصلاحت نماید. این داستان تنها زمانی به پایان می رسد که کمونیسم در قامت خود و در ضذیت با جناحهای مختلف بورژوازی قد علم کند.

اگر نبوی و شرکا در دامن "دموکراسی" هنوز آزادانه به شعربافی و رجزخوانی علیه انسانیت، آزادی و برابری ادامه می دهند، از برکت جمهوری اسلامی و هژمونی نظام نرابر و ضدانسانی سرمایه داری است و اگر طنز جایی در ادبیات ما کمونیستها داشته باشد قطعاً یکی از موارد کاربردش این است که ما کمونیست ها در سی و یک سال گذشته همواره از جانب جمهوری اسلامی به "جرم" دفاع از انسانیت، آزادی و برابری تحت تعقیب بوده ایم در حالیکه شما از جانب اکثریت مطلق جامعه ایران به جرم همسنستی با یکی از درنده ترین رژیم های موجود در کشتار دهها هزار انسان تحت تعقیب هستید. هزل بافی و رجز خوانی کمکی به پاک کردن دستهای آلوده شما نخواهد کرد.

## نشست دفتر سیاسی حزب

## کمونیست کارگری -

## حکمتیست

بندبال ارائه گزارش اعضای حاضر در نشست حول آن اظهار نظر کردند. سپس دستور نشست تعیین شد و از جمله در مورد مباحث زیر تبادل نظر و تصمیمگیری شد: سند وظایف دفتر سیاسی و آیین نامه جلسات آن بررسی و تصویب شد.

مبحث موقعیت کنونی حزب حکمتیست توسط رفیق حسین مرادیگی معرفی و بررسی شد. در این مبحث بار دیگر در ۱۳۸۹- مطابق ۹ و ۱۰ و ۱۱ آوریل ۲۰۱۰، نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری- حکمتیست با شرکت اکثریت اعضای آن و با حضور رفیق کورش مدرسی دبیر کمیته مرکزی حزب برگزار گردید. در ابتدای نشست، گزارش عملکرد هیات دبیران و نقشه عملهای کمیته های اصلی حزب در دو ماه اخیر توسط دبیر کمیته مرکزی ارائه شد.

گزارش شامل جمع بندی فشرده ای از پیشبرد نقشه عمل کمیته ها بر اساس سند "اولویتها" و میزان سرعت و کندی در عرصه های گوناگون و همچنین ارزیابی ای بود از موقعیت کنونی حزب در جامعه ایران که دارد تحول سیاسی عمیقی را از سر میگذراند و ترتیبات جدیدی بر این اساس پیش پای احزاب مختلف اپوزیسیون میگذارد. در این زمینه تاکید شد کارهایی که حزب حکمتیست در ماههای اخیر و کل ده ماه گذشته بعد از عروج جنبش سبز، جنبش جناحی از رژیم که حتی فاقد فاکتور اصلاحت است، انجام داده باعث شده است که سرهای بیشتری در صفوف طبقه کارگر و پیشروان آن به طرف ما برگردد. شواهد عینی نشان میدهد که حزب ما میتواند و حیاتی است که در این دوره به سخنگوی طبقه کارگر بدل شود. این امر کار و تلاش زیاد میبرد، تغییر لازم دارد، ابزار جدید میخواد و یک سری مباحث جدی در دستورمان میگذارد که باید در پلنوم آتی به آنها بپردازیم.

گزارش شامل جمع بندی فشرده ای از پیشبرد نقشه عمل کمیته ها بر اساس سند "اولویتها" و میزان سرعت و کندی در عرصه های گوناگون و همچنین ارزیابی ای بود از موقعیت کنونی حزب در جامعه ایران که دارد تحول سیاسی عمیقی را از سر میگذراند و ترتیبات جدیدی بر این اساس پیش پای احزاب مختلف اپوزیسیون میگذارد. در این زمینه تاکید شد کارهایی که حزب حکمتیست در ماههای اخیر و کل ده ماه گذشته بعد از عروج جنبش سبز، جنبش جناحی از رژیم که حتی فاقد فاکتور اصلاحت است، انجام داده باعث شده است که سرهای بیشتری در صفوف طبقه کارگر و پیشروان آن به طرف ما برگردد. شواهد عینی نشان میدهد که حزب ما میتواند و حیاتی است که در این دوره به سخنگوی طبقه کارگر بدل شود. این امر کار و تلاش زیاد میبرد، تغییر لازم دارد، ابزار جدید میخواد و یک سری مباحث جدی در دستورمان میگذارد که باید در پلنوم آتی به آنها بپردازیم.

بررسی سیر تاکتونی کمپین حزب علیه توطئه رژیم جمهوری اسلامی از کتال اینترپل و اقدامات لازم بعدی، و همچنین ادامه تبادل نظر در مورد پلنوم و کنگره آتی حزب آخرین مباحث نشست بودند. نشست در زمینه مباحث طرح شده تصمیمات لازم اتخاذ کرد.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۶ فروردین ۱۳۸۹ - ۱۵ آوریل ۲۰۱۰

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com



کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

زنده باد سوسیالیسم